

کتاب زکریای نبی به لحاظ پیشگویی‌های زیادی که دربارهٔ مسیح موعود کرده، از معروفیت خاصی برخوردار است. هبلی و زکریا همزمان پورده‌اند. هر دو نقش بسیار مهمی در تشویق مردمِ چوت بازسازی خانهٔ فرا داشتند. یهودیانی که تازه از اسارت در بابل آزاد شده و به سرزمین خود بازگشته بودند، نیاز به سفنان تشویقی‌آمیز این انبیا داشتند تا بتوانند در برابر مشکلات دوام بیاورند. سرانجام بنای خانهٔ فرا، پس از چهل سال تکمیل می‌شود.

زکریا به مردم یادآور می‌شود که مسیح موعود در راه است. هنگامی که او پیاید، بر تمام دنیا سلطنت خواهد کرد و صلح و آرامش بپوشد. بخشی از پیشگویی‌های زکریا، پس از ۵۰۰ سال با آمدن عیسی مسیح یامهٔ عمل پوشید. بخش دیگر این پیشگویی‌ها نیز در زمان ظهور ثانوی مسیح انبیا خواهد گرفت. کتاب زکریا شامل هشت رؤیا است. این رؤیاها گویای این واقعیت هستند که فرای قادر مطلق بر آنچه تابحال اتفاق افتاده و آنچه در آینده رخ خواهد داد، مسلط است

دعوت بسوی خداوند

کنار رودخانه‌ای، در میان درختان آس، فرشته‌ای را سوار بر اسب سرخ دیدم. پشت سر او اسبهایی به رنگهای سرخ، زرد و سفید ایستاده بودند. پرسیدم: «ای سرورم، این اسبها برای چه آنجا ایستاده‌اند؟»

فرشته جواب داد: «به تو خواهم گفت.»^۱ اسپس به من گفت که خداوند آنها را فرستاده است تا زمین را بررسی کنند.

^۱ آنگاه سواران آن اسبها به فرشتهٔ خداوند گزارش داده گفتند: «در سراسر جهان گشتیم و همه جا صلح و آرامش برقرار بود.»

^۲ فرشتهٔ خداوند چون این را شنید گفت: «ای خداوند قادر متعال، مدت هفتاد سال بر اورشلیم و شهرهای یهودا خشمگین بودی. چقدر طول می‌کشد تا دوباره بر ایشان رحمت فرمایی؟»

^۳ جواب خداوند به فرشته تسلی‌آمیز و اطمینان‌بخش بود.

^۴ آنگاه فرشته به من گفت: «این پیام را از طرف خداوند قادر متعال با صدای بلند اعلام کن: من برای اورشلیم و یهودا غیرت زیادی دارم. ^۵ ولی از قومهایی که در امنیت هستند بشدت خشمگینم، زیرا ایشان بیشتر از آنچه می‌خواستم قوم مرا آزار رساندند. ^۶ پس

در سال دوم سلطنت داریوش پادشاه، در ماه هشتم، پیامی از جانب خداوند بر زکریا (پسر

برکیا و نوهٔ عدوی نبی) نازل شد. خداوند قادر متعال به زکریا فرمود که از قول او به مردم چنین بگوید: «من از اجداد شما بسیار خشمگین بودم. ^۲ ولی اینک به شما می‌گویم که اگر بسوی من بازگشت کنید، من هم بسوی شما باز می‌گردم. ^۳ مانند اجداد خود نباشید که انبیای گذشته هر چه سعی کردند آنها را از راههای زشتشان بازگردانند، توجهی به ایشان نکردند. من توسط انبیا به ایشان گفتم که بسوی من بازگشت کنید، ولی آنها گوش ندادند.

^۴ اجداد شما و انبیای گذشته همگی مردند، ولی کلام من جاودانه است. کلام من گریبانگیر اجداد شما شد و آنها را مجازات نمود. ایشان سرانجام بازگشت نموده گفتند: «خداوند ما را به سزای اعمالمان رسانیده و آنچه را که به ما اخطار نموده بود دقیقاً انجام داده است.»

رؤیای اسبها

^۷ در روز بیست و چهارم، ماه یازدهم یعنی ماه شباط، از سال دوم سلطنت داریوش پادشاه، پیامی دیگر از جانب خداوند در رؤیای شب به من، زکریا رسید. ^۸ در

^{۶۷}خداوند به قوم خود می‌گوید: «ای کسانی که در بابل در تبعید هستید، فرار کنید. من شما را به هرسو پراکنده ساختم، ولی دوباره شما را باز می‌گردانم. پس حال، فرار کنید و به اورشلیم باز گردید.»

^{۶۸}خداوند قادر متعال مرا برگزیده و به مقابله با قومهایی که بر شما ظلم و ستم روا داشته‌اند، فرستاده است. کسی که به شما آزار برساند به خداوند آزار رسانده است، چون شما مثل مردمک چشم خداوند هستید. ^{۶۹}با ایشان خواهم جنگید و ایشان را مغلوب برده‌هایشان خواهم کرد. آنگاه خواهید دانست که خداوند قادر متعال مرا فرستاده است.

^{۷۰}ای اورشلیم، سرود بخوان و شادی کن! چون خداوند می‌فرماید: «می‌آیم تا در میان شما ساکن شوم.» ^{۷۱}در آن هنگام قومهای زیادی به خداوند ایمان خواهند آورد و آنها هم قوم او خواهند شد و خداوند در میان شما ساکن خواهد گردید. آنگاه خواهید دانست که خداوند قادر متعال مرا نزد شما فرستاده است. یهودا در سرزمین مقدس، میراث خداوند خواهد بود، زیرا خداوند بار دیگر اورشلیم را برخواهد گزید تا آن را برکت دهد.

^{۷۲}ای انسانها، در حضور خداوند خاموش باشید، زیرا او از جایگاه مقدس خود برخاسته است و به زمین می‌آید.

رؤیای کاهن اعظم

^{۷۳}سپس خداوند در رؤیا، یهوشع، کاهن اعظم را به من نشان داد که در حضور فرشته خداوند ایستاده بود. شیطان نیز آنجا در سمت راست فرشته ایستاده بود و تهمت‌های زیادی به یهوشع می‌زد.

^{۷۴}فرشته خداوند به شیطان گفت: «ای شیطان، خداوند تو را محکوم کند. خداوند که اورشلیم را برای خود برگزیده است تو را محکوم کند. یهوشع* مانند چوب نیم سوخته‌ای است که از میان آتش بیرون کشیده شده باشد.»

^{۷۵}یهوشع با لباس کتیف در حضور فرشته خداوند ایستاده بود.

من با رحمت بسیار به اورشلیم بازخواهم گشت و خانه من و تمام اورشلیم از نو ساخته خواهد شد. ^{۷۶}شهرهای اسرائیل دوباره مملو از سعادت خواهند شد و من بار دیگر اورشلیم را تسلی و برکت داده در آن ساکن خواهم گشت.»

رؤیای شاخها

^{۷۸}در رؤیایی دیگر، چهار شاخ حیوان دیدم!

^{۷۹}از فرشته پرسیدم: «اینها چه هستند؟»

جواب داد: «اینها نماینده آن چهار قدرت بزرگ جهانی هستند که مردم یهودا، اسرائیل و اورشلیم را پراکنده ساخته‌اند.»

^{۸۰}سپس فرشته، چهار آهنگر به من نشان داد.

^{۸۱}پرسیدم: «این مردان برای انجام چه کاری آمده‌اند؟»

فرشته جواب داد: «آمده‌اند تا آن چهار شاخی را که باعث پراکندگی مصیبت‌بار مردم یهودا شده‌اند، بگیرند و بر روی سندان خرد کنند و به دور اندازند.»

رؤیای چوب اندازه‌گیری

^۲در یک رؤیای دیگر مردی را دیدم که چوب اندازه‌گیری در دست داشت. پرسیدم: «کجا می‌روی؟»

گفت: «می‌روم اورشلیم را اندازه بگیرم. می‌خواهم ببینم آیا اندازه‌اش برای تمام قوم کافی است یا نه!»

^۳آنگاه فرشته‌ای که با من صحبت می‌کرد جلو رفت تا فرشته دیگری را که بطرف او می‌آمد استقبال کند.

^۴فرشته دوم به اولی گفت: «بشتاب و به آن مردی که چوب اندازه‌گیری در دست دارد بگو که روزی اورشلیم چنان پر از جمعیت می‌شود که جای کافی برای همه نخواهد بود! بسیاری از مردم با حیواناتشان در خارج از حصار شهر بسر خواهند برد ولی با اینحال کاملاً در امان خواهند بود؛ زیرا خود خداوند برای آنها همچون دیواری آتشین خواهد بود و از ایشان و تمامی اورشلیم مواظبت خواهد نمود. او شکوه و جلال شهر خواهد بود.»

دعوت به بازگشت به وطن

* در اینجا یهوشع سمبل قوم یهود است.

گفتم: «نه، نمی دانم.»
 گفت: «این هفت چراغ نشانه‌ای هستند از چشمان خداوند که همه جای دنیا را زیر نظر دارند.»^{۱۰}
 سپس پرسیدم: «آن دو درخت زیتون دو طرف چراغدان^{۱۱} و آن دو شاخه زیتون کنار دو لوله طلا که از آنها روغن می‌ریزد، چه هستند؟»
 گفت: «نمی‌دانی؟»^{۱۲}
 گفتم: «نه، نمی‌دانم.»
 آنگاه او به من گفت: «آنها نشانه مردی هستند که خداوند، مالک تمامی جهان، آنها را برگزیده و مسح کرده تا او را خدمت کنند.»

وعدۀ خدا به زروبابل

سپس فرشته گفت: «این است آنچه خداوند قادر متعال به زروبابل^{۱۳} می‌گوید: نه به قدرت، نه به قوت، بلکه به روح من. هر چند ضعیف و ناتوان باشید، ولی به یاری روح من موفق خواهید شد. آی زروبابل، این کوه مشکلات در برابر تو فرو خواهد ریخت و وقتی تو آخرین سنگ بنای خانه مرا گذاشتی، مردم فریاد خواهند زد: برکت خداوند بر آن باد!»^{۱۴}
 پیام دیگری از جانب خداوند بر من نازل شد. او گفت: «دستهای زروبابل این خانه را بنیاد نهاد و دستهای وی آن را تمام خواهد کرد. وقتی این کار انجام شود آنگاه قوم من خواهند دانست که من تو را فرستاده‌ام. هر چند مردم از اینکه در کار بنای خانه من پیشرفت چشمگیری حاصل نشده دلسردند، اما وقتی زروبابل را مشغول کار ببینند، امیدوار خواهند شد.»

رؤیای طومار در حال پرواز

بار دیگر به آسمان چشم دوختم و طوماری را در حال پرواز دیدم. فرشته از من پرسید: «چه می‌بینی؟»^{۱۵}

* * قسمت دوم آیه ۱۰ و نیز آیات ۱۱ الی ۱۴ را بعد از آیه ۵ آورده ایم تا ترتیب طبیعی مطلب را حفظ کرده باشیم.
 * * * زروبابل قاکم یهودا بود که مسئولیت باز سازی خانه خدا را به عهده داشت. نگاه کنیز به هبی ۱: ۱، ۲، ۳، ۲۳.

فرشته به کسانی که آنجا ایستاده بودند گفت: «لباس کثیف او را از تنش درآورید.» بعد رو به یهوشع کرده، گفت: «بین، گناهان تو را برداشته‌ام و اینک این لباس نو را به تو می‌پوشانم.»^{۱۶}
 سپس گفت: «یک عمامه تمیز هم بر سرش بگذارید.» درحالی‌که فرشته خداوند ایستاده بود به او یک عمامه تمیز هم دادند.
 آنگاه فرشته خطاب به یهوشع گفت که خداوند قادر متعال چنین می‌فرماید: «اگر از قوانین من اطاعت کنی و هر آنچه به تو می‌گویم انجام دهی، تو را سرپرست خانه خود می‌سازم و به تو اجازه می‌دهم مثل این فرشته‌ها به حضور من بیایی. آی یهوشع کاهن اعظم و ای همه کاهنان، به من گوش دهید! شما نشانه‌ای هستید از آنچه در آینده واقع خواهد شد: من خدمتگزار خود را که «شاخه»^{۱۷} نامیده می‌شود خواهم آورد، و در یک روز گناه این سرزمین را رفع خواهم کرد. این را من بر آن سنگ هفت پهلو که مقابل یهوشع گذاشته‌ام حک خواهم نمود.
 هنگامی که آن روز فرا رسد هر یک از شما همسایه خود را دعوت خواهد کرد تا بیاید و در زیر درختان انگور و انجیرتان در صلح و صفا بنشیند.»

رؤیای چراغدان

فرشته‌ای که با من صحبت می‌کرد، مرا مثل شخصی که خوابیده باشد، بیدار کرد. سپس از من پرسید: «چه می‌بینی؟»
 جواب دادم: «چراغدانی از طلا می‌بینم که هفت چراغ دارد و بر سر آن روغندانی هست که بوسیله هفت لوله‌ای که به آن متصل است به چراغها روغن می‌رساند. همچنین دو درخت زیتون می‌بینم که یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ چراغدان قرار دارد.»
 سپس از فرشته پرسیدم: «ای سرورم اینها چیستند و چه معنایی دارند؟»
 گفت: «نمی‌دانی؟»^{۱۸}

* منظور از «شاخه» مسیح موعود است. نگاه کنیز به ارمیا ۲۳: ۵ به بعد و اشعیا ۱۱: ۱.

جواب داد: «طوماری می‌بینم بطول ده متر و عرض پنج متر که در حال پرواز است.»
گفت: «این طومار لعتهای خدا را در بردارد و آنها را به سراسر جهان می‌برد. نوشته روی آن نشان می‌دهد که تمام دزدان و دروغگویان محکوم به مرگ هستند.»
خداوند قادر متعال می‌فرماید که این لعتهای را به خانه کسانی که دزدی می‌کنند و آنهایی که به نام او قسم دروغ می‌خورند، می‌فرستد تا بر خانه‌شان قرار بگیرد و آن را بکلی نابود کند.

رؤیای بشکه

فرشته بار دیگر ظاهر شد و گفت: «بالا را نگاه کن. چیز دیگری در حال پرواز است.»
پرسیدم: «آن چیست؟»
جواب داد: «یک بشکه بزرگ* است. این بشکه پر است از گناهمانی که سراسر زمین را فرا گرفته‌اند.»
ناگهان سرپوش سنگین سربیشک کنار رفت و من توانستم زنی را که در بشکه نشسته بود ببینم!
فرشته گفت: «آن زن نشانه فساد و شرارت است.»
آنگاه زن را به داخل بشکه هل داد و دوباره سرپوش سربیشک را روی آن گذاشت.
سپس دو زن دیگر دیدم که بالهایی شبیه بالهای لک‌لک داشتند و پرواز می‌کردند. آنها آمده، بشکه را برداشتند و پروازکنان با خود بردند.
از فرشته پرسیدم: «بشکه را کجا می‌برند؟»
جواب داد: «آن را به بابل** می‌برند تا جایگاهی برای آن بسازند و بشکه را در آن قرار دهند.»

رؤیای چهار عرابه

در یک رؤیای دیگر چهار عرابه دیدم که از میان دو کوه مسی بیرون آمدند. عرابه اول بوسیله اسبهای سرخ، عرابه دوم بوسیله اسبهای سیاه، عرابه سوم بوسیله اسبهای سفید و عرابه چهارم بوسیله اسبهای ابلق کشیده می‌شدند.

از فرشته پرسیدم: «ای سرورم، اینها چه هستند؟»
جواب داد: «اینها چهار روح آسمانی هستند که در حضور خداوند تمامی زمین می‌ایستند و اینک برای انجام فرمان او به حرکت در آمده‌اند. اسبهای سرخ بطرف شرق، اسبهای سیاه بطرف شمال، اسبهای سفید بطرف غرب و اسبهای ابلق بطرف جنوب خواهند رفت.»
اسبهای بیتابی می‌کردند که حرکت کنند و در سراسر زمین بگردند. خداوند فرمود: «بروید و گشت خود را آغاز کنید.» پس آنها راه افتادند و تمام زمین را گشتند.
آنگاه خداوند مرا احضار کرد و فرمود: «آنهایی که به سرزمین شمال*** رفتند، حکم مرا اجرا کرده خشم مرا در آنجا فرو نشانند.»

تاجگذاری یهوشع

در پیامی دیگر خداوند به من فرمود: «^{۱۰} «حلدای، طوبیا و یدعیا از طرف یهودیان تبعید شده در بابل، هدایایی از طلا و نقره آورده‌اند. هدایا را از آنها بگیر و به خانه یوشیا (پسر صفنیا) برو و با آنها تاجی بساز. سپس تاج را بر سر یهوشع (پسر یهوصادق) کاهن اعظم بگذار. ^{۱۲} به او بگو که خداوند قادر متعال چنین می‌فرماید: «تو نمونه‌ای هستی از آن مردی که «شاخه» نامیده می‌شود. ^{۱۱} او از جایی که هست جوانه خواهد زد و خانه خداوند را بازسازی خواهد کرد. ^{۱۳} اوست آنکه خانه خداوند را بنا می‌کند و از شکوه پادشاهی برخوردار می‌شود. او در مقام کاهن و پادشاه حکمرانی خواهد کرد، و بین این دو مقام هماهنگی کامل خواهد بود.» ^{۱۴} سپس، این تاج را بعنوان هدیه‌ای از طرف حلدای، طوبیا، یدعیا و یوشیا در خانه خداوند بگذار تا یادگاری باشد.»

مردمی که در جاهای دوردست زندگی می‌کنند، خواهند آمد و در بازسازی خانه خداوند کمک خواهند کرد؛ آنگاه خواهید دانست که خداوند قادر متعال مرا نزد شما

*** منظور سرزمین بابل است.

*** نگاه کنید به زکریا ۳: ۸.

* یا «او بر نقش نشسته کلمرانی فواهر کرد و کاهن نزد نقش فواهر ایستاد و بین این دو هماهنگی کامل فواهر پور.»

* در عبری برای بشکه بزرگ «ایفه» آمده است. ایفه ظرفی بود که برای اندازه‌گیری بکار می‌رفت.

** حکومت بابل در این زمان از بین رفته بود؛ در اینجا کلمه بابل سمبلی است برای مرکز فساد و بت‌پرستی.

آن‌ها را در میان قوم‌های دور پراکنده ساختیم. دشمن سرزمین آبادشان را چنان ویران کرد که حتی یک نفر نیز در آن باقی نماند.»

وعدۀ برکت خدا به اورشلیم

بار دیگر پیام خداوند قادر متعال بر من نازل گردید:

«از آنچه که دشمنان بر سر اورشلیم آورده‌اند بسیار خشمگین هستم، زیرا من اورشلیم را دوست دارم. اکنون به سرزمین خود اورشلیم باز می‌گردم و در آنجا ساکن می‌شوم؛ و اورشلیم، «شهر امین» و کوه خداوند «کوه مقدس» نامیده خواهد شد.

«اورشلیم بار دیگر آباد خواهد شد و مردان و زنان پیر عصا به دست باز در میدان‌های شهر خواهند نشست، و کوچ‌های آن از بچه‌هایی که سرگرم بازی هستند بر خواهد شد.

«این شاید برای شما که بازماندگان قوم هستید باورکردنی نباشد، ولی انجام آن برای من کار آسانی است. مطمئن باشید که من قوم خود را از مشرق و مغرب و هر جایی که پراکنده شده باشند نجات می‌دهم^۸ و آن‌ها را برمی‌گردانم تا درکمال امنیت در اورشلیم ساکن شوند. آن‌ها قوم من، و من خدای آن‌ها خواهم بود و با عدالت و راستی بر آن‌ها حکمرانی خواهم کرد.

«حال، دست به کار شوید و با دلگرمی کار کنید، زیرا از هنگامی که پی‌ریزی خانه خدا را شروع کردید، انبیا با سخنان خود پیوسته شما را تشویق کرده‌اند. قبل از آن، فقر و ناامنی همه جا را فرا گرفته بود و مردم دشمن یکدیگر بودند،^۹ ولی اینک من به شما که بازماندگان قوم هستید برکت خواهم داد؛^{۱۰} بطوری که در صلح و آرامش کشت و زرع خواهید کرد و محصول فراوان به دست خواهید آورد. درختان انگور از میوه پر خواهند شد و بر زمین باران فراوان خواهد بارید. تمام این برکات نصیب بازماندگان قوم خواهد شد.^{۱۱} در گذشته وقتی مردم قوم‌های دیگر می‌خواستند کسی را نفرین کنند، می‌گفتند: «خدا کند تو هم مثل یهودا و اسرائیل فقیر و درمانده شوی!» ولی دیگر اینطور نخواهد بود،

فرستاده است. این هنگامی اتفاق خواهد افتاد که شما از خداوند، خدای خویش کاملاً اطاعت کنید.

روزۀ کاذب مردم

در سال چهارم سلطنت داریوش پادشاه، در روز چهارم از ماه نهم یعنی ماه کیسلو، خداوند پیام دیگری به من داد.

یهودیان شهر بیت‌ئیل، گروهی از مردان خود را به سرپرستی شراصر و رجم ملک به خانه خدا فرستادند تا از خداوند طلب برکت نمایند^{۱۲} و از کاهنان و انبیا بپرسند که آیا به روزه و سوگواری خود در ماه پنجم ادامه بدهند، چنانکه در این سالها این کار را کرده‌اند، یا نه.

خداوند قادر متعال به من فرمود که این جواب را به آن‌ها بدهم:^{۱۳} «به قوم و کاهنان بگوید که در این هفتاد سالی که در ماه‌های پنجم و هفتم روزه می‌گرفتند و سوگواری می‌کردند، برای خاطر من نبود. اکنون نیز هنگام برگزاری عیدهای مقدس، به فکر من نیستند، بلکه فقط بفکر خوردن و نوشیدن و سرگرمی خودشان هستند. همین هشدار را من سالها قبل وقتی هنوز اورشلیم امن و آباد بود و شهرهای مجاور و جنوب آن نیز مسکونی بودند، توسط انبیا به گوش قوم رساندم.»

نتیجۀ نافرمانی قوم از دستورات خدا

سپس خداوند قادر متعال به زکریا فرمود که این پیام را به ایشان بدهد: «نسبت به یکدیگر درستکار و با انصاف و رحیم و مهربان باشید.^{۱۴} از ظلم کردن به بیوه‌زنان و یتیمان و افراد غریب و فقیر دست بردارید و برای یکدیگر توطئه نچینید. اجداد شما به این پیام گوش ندادند. آن‌ها سرپیچی نموده گوش‌های خود را گرفتند تا صدایم را نشنوند.^{۱۵} دل‌های خود را مثل سنگ، سخت کردند و نخواستند دستوراتی را که من با روح خود بوسیله انبیا گذشته به ایشان داده بودم بشنوند. به همین دلیل بود که خشم عظیم خود را از آسمان بر ایشان نازل کردم.^{۱۶} من فریاد برآوردم ولی آن‌ها صدایم را نشنیده گرفتند. من نیز وقتی آن‌ها بسوی من فریاد برآوردند به دعای ایشان گوش ندادم.^{۱۷} همچون گردباد

ثروت جمع کرده که نقره و طلا برای او چون ریگ بیابان است، ولی خداوند همه این چیزها را از او خواهد گرفت. استحکاماتش را به دریا خواهد ریخت و او را به آتش کشیده با خاک یکسان خواهد کرد.^۵ وقتی اشقلون این واقعه را ببیند وحشت زده خواهد شد. غزه از درد به خود خواهد پیچید و عقرون از ترس خواهد لرزید، زیرا وقتی ببینند صور قادر نیست جلو پیشروی دشمنان را بگیرد، امیدشان بر باد خواهد رفت. غزه شکست خواهد خورد و پادشاهش کشته خواهد شد، و اشقلون بکلی از بین خواهد رفت.^۶ خداوند می‌فرماید: «اشدود، شهر ثروتمند فلسطینی‌ها به دست بیگانگان خواهد افتاد.^۷ من گوشتهای حرام را از دهان او و قربانی‌هایش را که با خون می‌خورد، از میان دندانهایش بیرون خواهم کشید. فلسطینی‌هایی که باقی بمانند مرا عبادت خواهند کرد و بعنوان یکی از طوایف یهودا در میان قوم من پذیرفته خواهند شد. فلسطینی‌های عقرون نیز به قوم من خواهند پیوست، همانطور که بیوساها سالها پیش این کار را کردند.^۸ من در اطراف سرزمین خود نگرهبانی خواهم داد تا از ورود سپاهیان مهاجم به خاک اسرائیل جلوگیری کنم. بدقت حرکات دشمن را زیر نظر می‌گیرم و اجازه نمی‌دهم ستمگران بیگانه بار دیگر سرزمین قوم مرا مورد تاخت و تاز قرار دهند.»

وعده ظهور پادشاه اسرائیل

«ای قوم من، شادی کنید و از خوشحالی فریاد برآورید، چون پادشاهتان نزد شما می‌آید! او نجات دهنده‌ای پیروزمند است و با فروتنی، سوار بر کره الاغی می‌آید! من اسبها و عرابه‌های جنگی شما را از شما خواهم گرفت، و کمانهای جنگی‌تان شکسته خواهند شد، زیرا پادشاه شما در میان تمام قومها صلح برقرار خواهد کرد. قلمرو حکومت او از دریا تا دریا و از رود فرات تا دورترین نقطه زمین خواهد بود.^{۱۱} بخاطر عهدی که با شما بستم و آن را با خون مهر کردم، اسیران شما را از چاه هلاکت خواهم رهانید.^{۱۲} ای اسیرانی که در انتظار آزادی هستید، به شهر امن خود بازگردید. امروز به شما قول می‌دهم که سختی‌هایی را که کشیده‌اید دو برابر جبران

چون من شما را نجات داده، به شما برکت خواهم بخشید؛ و آنها پس از این خواهند گفت: «خدا کند مثل یهودا و اسرائیل خوشبخت و سعادت‌مند شوی!» پس نترسید و مأیوس نشوید، بلکه دست بکار شده خانه خدا را بازسازی کنید!^{۱۴} اگر چنین کنید، به شما برکت خواهم داد. وقتی پدران شما مرا به خشم آوردند، آنچه گفتم، کردم. گفتم آنها را مجازات خواهم کرد و همین کار را نیز انجام دادم. پس وقتی می‌گویم شما را برکت می‌دهم، بدانید که حتماً برکت خواهم داد. پس نترسید! اما وظیفه شما این است: راستگو و با انصاف باشید و با همه با صلح و صفا رفتار کنید.^{۱۷} در فکر اذیت دیگران نباشید و قسم دروغ نخورید، چون من از این کارها نفرت دارم.»

^{۱۸} پیام دیگری از جانب خداوند قادر متعال بر من نازل شد: «روزها و ایام سوگواری‌ای که در ماههای چهارم، پنجم، هفتم و دهم برگزار می‌کردید به پایان خواهند رسید و این مراسم به اعیاد شاد و پر نشاط تبدیل خواهند شد! پس شما نیز از این بیعت راستی و صلح را دوست بدارید.^{۲۰} مردمان بسیاری از ممالک جهان برای زیارت به اورشلیم هجوم خواهند آورد تا در این اعیاد شرکت کنند. مردم یک شهر به شهر دیگر رفته خواهند گفت: «ما به اورشلیم می‌رویم. شما هم با ما بیایید تا برویم از خداوند قادر متعال طلب برکت کنیم.»^{۲۲} آری، بسیاری از مردم، و حتی ملت‌های بزرگ به اورشلیم نزد خداوند قادر متعال خواهند آمد تا او را عبادت نموده از او طلب برکت کنند.^{۲۳} در آن روزها ده نفر از قومهای مختلف دست به دامن یک نفر یهودی شده خواهند گفت: ما را نیز با خود ببر چون می‌دانیم خدا با توست.»

مجازات قومهای مجاور اسرائیل

خداوند مجازات قومها را اعلام نموده است،^۹ چون او نه فقط قوم اسرائیل را زیر نظر دارد، بلکه مراقب همه قومهای جهان نیز می‌باشد. او حدراخ، دمشق و حمات را که در نزدیکی دمشق است مجازات خواهد کرد. حتی صور و صیدون هم با وجود مهارتشان از مجازات او در امان نخواهند ماند.^۲ هر چند صور برای خود استحکاماتی ساخته و آنقدر

مثل گل کوچه‌ها لگدمال خواهند کرد و آنها را در جنگ شکست خواهند داد، زیرا من با ایشان هستم. ^۶ «یهودا را تقویت خواهم کرد و اسرائیل را نجات خواهم بخشید. بر آنها رحمت نموده ایشان را به وطنشان بازخواهم گرداند. وضعیت آنها طوری خواهد بود که گویی هرگز ایشان را ترک نکرده‌ام. من خداوند، خدای ایشان هستم و دعای ایشان را اجابت خواهم کرد. ^۷ آنها مثل جنگجویانی شجاع خواهند بود. دلشان چنان شاد خواهد شد که گویی مست شربند. فرزندان ایشان برکات را به یاد آورده خوشحال خواهند شد. دل ایشان از آنچه خداوند انجام داده است شاد خواهد گردید. ^۸ ایشان را فرا خوانده، دور هم جمع خواهم کرد. من آنها را نجات خواهم داد و ایشان مثل گذشته زیاد خواهند شد. ^۹ هر چند ایشان را مثل بذر در میان قومها پراکنده ساختم، ولی آنها در آنجا مرا به یاد خواهند آورد. آنها با فرزندان ایشان زنده مانده به وطن خود برخواهند گشت. ^{۱۰} آنها را از مصر و آشور باز می‌گردانم و به زمین جلعاد و لبنان می‌آورم و ایشان تمام آن سرزمین را پر خواهند ساخت. ^{۱۱} وقتی از میان دریای مشکلات عبور می‌کنند من امواج را کنار زده اعماق دریا را خشک خواهم کرد. آشور مغرور، پست خواهد شد و مصر قدرتمند، قدرت

خود را از دست خواهد داد.»

^{۱۲} خداوند می‌فرماید: «قدرت خود را به قوم خود می‌بخشم و آنها را قوی می‌سازم و ایشان از من پیروی خواهند کرد.»

نابودی قدرتمندان ظالم

۱۱ ای لبنان، دروازه‌های خود را باز کن تا آتش، درختان سرو تو* را بسوزاند. ای درختان صنوبر، برای تمامی درختان سرو که تباه شده‌اند گریه کنید. ای بلوطهای باشان زاری کنید، زیرا جنگل عظیم نابود شده است. ^۲ ای حاکمان، گریه و زاری کنید، زیرا جاه و جلال شما بر باد رفته است. غرش این شیرهای

* درخت سرو لبنان کتابه است از قومهای قهر، تمند جهان و یا پادشاهان آنها.

کنم! ^۳ ای یهودا، تو کمان من و ای اسرائیل، تو تیر من هستی. من شما را مثل شمشیر سربازی شجاع بصد مردان یونان به حرکت درمی‌آورم.»

پیروزی قوم خدا

^۴ خداوند قوم خود را هنگام جنگ رهبری خواهد کرد. تیرهایش را مثل برق آسمان خواهد انداخت. خداوند شیپور جنگ را به صدا درخواهد آورد و مانند گردبادی که از صحرای جنوب بلند می‌شود، به جنگ دشمن خواهد رفت. ^۵ او از قوم خود دفاع خواهد کرد و ایشان دشمنان خود را شکست داده زیر پای خود لگدمال خواهند نمود. طعم پیروزی را خواهند چشید و غریو شادی سر خواهند داد. دشمنان خود را خواهند کشت و زمین را از خون آنها پر خواهند کرد. ^۶ در آن روز خداوند، خدایشان مثل چوپانی که از گله خود محافظت می‌کند، قوم خود را نجات خواهد بخشید. ایشان در سرزمین خوب و زیبای او مانند جواهر روی تاج، خواهند درخشید و فراوانی محصول و شراب جوانان را شاداب خواهد ساخت.

نجات یهودا

۱۰ در فصل بهار از خداوند بخواهید باران بباراند، زیرا اوست که ابرها را می‌فرستد و باران را به فراوانی می‌باراند تا مزارع، حاصلخیز شوند. ^۲ آنها و فالگیران نمی‌توانند چنین درخواستی را اجابت کنند. رؤیاهایی که فالگیران می‌بینند و خوابهایی که تعبیر می‌کنند دروغ محض است و باعث گمراهی مردم می‌شود. تسلی‌ای که آنها می‌دهند بی‌فایده است. یهودا و اسرائیل مثل گوسفندان گمشده، سرگردان و آواره شده‌اند زیرا رهبری ندارند که آنها را هدایت کند.

^۳ خداوند می‌فرماید: «خشم من بر کسانی که بر شما حکومت می‌کنند شعله‌ور شده است. من این بزهای نر را تنبیه خواهم کرد. من که خداوند قادر متعال هستم آمده‌ام تا از گله خود یهودا مراقبت نموده ایشان را چون اسب جنگی، نیرومند سازم. ^۴ از میان قبیله یهودا، حکام، فرمانروایان و فرماندهانی برخواند خاست تا قوم مرا رهبری کنند. ^۵ ایشان با دلیری دشمنان خود را

^۳ خداوند به من فرمود: «این مبلغ هنگفتی را که در مقابل ارزشت به تو دادند، نزد کوزه‌گر ببنداز!»

پس من آن سی تکه نقره را گرفتم و آن را در خانه خداوند نزد کوزه‌گر انداختم.^۴ سپس عصای دیگرم را که «پیوند» نام داشت شکستم تا نشان دهم که پیوند برادری بین یهودا و اسرائیل شکسته شده است.

^۵ آنگاه خداوند به من فرمود که باز بروم و به کار چوپانی مشغول شوم. این بار قرار بود نقش یک چوپان بد را ایفا کنم.

^۶ او به من فرمود: «این نشان می‌دهد که من برای قوم، چوپانی تعیین می‌کنم که نه به آنانی که می‌میرند اهمیت می‌دهد، نه از نوزادان مراقبت می‌کند، نه زخمیها را معالجه می‌نماید، نه سالمها را خوراک می‌دهد، و نه لنگانی را که نمی‌توانند راه بروند بر دوش می‌گیرد؛ بلکه گوسفندان چاق را می‌خورد و سمهایشان را می‌کند.^۷ وای بر این چوپان وظیفه‌شناس که به فکر گله نیست! شمشیر خداوند بر بازو و چشم راست او فرود خواهد آمد و او را کور و ناتوان خواهد ساخت.»

نابودی دشمنان اورشلیم

این است سرنوشت اسرائیل که خداوند آن را اعلام نمود، خداوندی که آسمانها را گسترانید، بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در درونش قرار داد:

^۸ «اورشلیم را برای قومهای همسایه که سپاهیان خود را برای محاصره اورشلیم و سایر شهرهای یهودا می‌فرستند، مثل کاسه زهر می‌گردانم. هنگامی که تمام قومهای جهان بر ضد اورشلیم جمع شوند، من اورشلیم را برای آنها مانند سنگ عظیمی خواهم ساخت، که هرکس بخواهد آن را تکان دهد خود سخت مجروح شود.»

^۹ خداوند می‌فرماید: «در آن روز، سپاهیان مهاجم را گبیج و سردرگم می‌کنم و اسبهایشان را به کوری مبتلا می‌سازم، زیرا من مراقب مردم یهودا هستم. آنگاه رهبران یهودا در دل خود خواهند گفت: مردم اورشلیم

ژیان را بشنوید، چون دره اردن پر شکوهشان ویران شده است.

قضیه دو چوپان

^{۱۰} خداوند، خدایم به من فرمود: «برو و چوپان^{**} گوسفندانی باش که قرار است سربریده شوند. رهبران شرور، قوم مرا خرید و فروش می‌کنند. چوپانانشان آنها را با بی‌رحمی می‌فروشند و می‌گویند: «خدا را شکر! ثروتمند شدیم!» و خریدارانشان آنها را خریده سر می‌برند بدون اینکه مجازات شوند.»

^{۱۱} خداوند می‌فرماید: «من دیگر بر مردم این سرزمین رحم نخواهم کرد، بلکه می‌گذارم آنها در چنگ رهبران شرور خودشان گرفتار شده، کشته شوند. رهبران شرور، این سرزمین را مبدل به بیابان خواهند کرد و من مانع کارشان نخواهم شد.»

^{۱۲} پس من دو عصای چوپانی در دست گرفته یکی را «فیض» و دیگری را «پیوند» نامیدم و همانطور که به من دستور داده شده بود، گله را چرانیدم. در عرض یک ماه، از شر سه چوپان این گله آزاد شدم؛ ولی گوسفندان از من متنفر گشتند و من نیز از دست آنها خسته و بیزار گشتم.

^{۱۳} پس به آنها گفتم: «از این به بعد چوپان شما نخواهم بود. آن که مردنی است بگذار بمیرد و آن که کشته شدنی است بگذار کشته شود. آنهایی هم که باقی می‌مانند بگذار همدیگر را بدرند و بخورند!»

^{۱۴} آنگاه عصایم را که «فیض» نام داشت شکستم تا نشان دهم که خداوند عهدی را که با آنها بسته بود شکسته است.^{۱۵} پس در همان روز عهد شکسته شد. آنگاه کسانی که گوسفندان را خرید و فروش می‌کردند و به من چشم دوخته بودند، متوجه شدند که خداوند بوسیله کاری که من کردم پیامی به آنها می‌دهد.

^{۱۶} من به آنها گفتم: «اگر مایلید، مزد مرا بدهید.»

پس با سی تکه نقره^{***} مزد مرا دادند.

** در اینجا منظور از «چوپان»، رهبر یا پادشاه و منظور از «گوسفندان»، قوم است.

*** قیمت یک بره‌سی که نقره پوز، گله کثیر به فروج ۱۱ ۳۲ و متی ۲۷، ۹۳.

خداوند قادر متعال می‌فرماید: «در آن روز هرگونه بت‌پرستی را در سراسر سرزمین اسرائیل برمی‌اندازم، بطوری که اثری از آن باقی نماند و نام بتها فراموش شود. سرزمین را بکلی از وجود انبیای دروغین و فالگیران پاک می‌کنم،^۳ و اگر کسی باز به دروغ نبوت کند، به دست پدر و مادر خودش کشته خواهد شد! به او خواهند گفت: «تو باید کشته شوی، چون به نام خداوند کاذبانه نبوت می‌کنی.»

«در آن روز انبیای دروغین از نبوت‌هایشان خجالت خواهند کشید و دیگر برای فریب دادن مردم لباس انبیا را برتن نخواهند کرد.^۴ هر یک از آنها خواهند گفت: «من نبی نیستم، من یک کشاورزم و شغلم از جوانی کشاورزی بوده است.»^۵ و اگر کسی بپرسد: «پس این زخمها* روی بدن تو چیست؟» جواب می‌دهد: «در نزاع با دوستان زخمی شده‌ام.»

کشته‌شدن شبان خدا

خداوند قادر متعال می‌فرماید: «ای شمشیر بزد شبان من، آن مردی که همدوش و همکار من است، برخیز! شبان را بزنی تا گوسفندان پراکنده شوند.»^۶ من قوم خود را خواهم زد^۷ و دو سوم آنها از بین خواهند رفت. یک سوم باقیمانده را از میان آتش می‌گذرانم و آنها را پاک می‌کنم، درست مثل طلا و نقره که بوسیله آتش، خالص می‌شوند. ایشان نام مرا خواهند خواند و من آنها را اجابت خواهم نمود. من خواهم گفت: «اینها قوم من هستند.» و ایشان خواهند گفت: «خداوند، خدای ماست.»

برقراری سلطنت خداوند

روز خداوند نزدیک است! در آن روز،^{۱۴} خداوند قوما را جمع می‌کند تا با اورشلیم بجنگند. آنها شهر را می‌گیرند و خانه‌ها را غارت نموده به زنان تجاوز می‌کنند و غنیمت را بین خود تقسیم

* انبیای دروغین روی بدن خود زخمهایی ایجاد می‌کردند. نگاه کنید

به اول پادشاهان ۱۸: ۲۸.

** این پیشگویی در مورد عیسی مسیح است. نگاه کنید به متی

۲۶: ۳۱ و مرقس ۱۴: ۲۷.

قوی هستند، زیرا خداوند قادر متعال، خدای ایشان است.

«در آن روز، رهبران یهودا را مثل شعله آتشی که جنگلها و مزارع را می‌سوزاند، می‌گردانم. آنها تمام قومهای همسایه را از راست و چپ خواهند سوزاند، و مردم اورشلیم در امنیت خواهند بود.^۸ من سایر شهرهای یهودا را پیش از اورشلیم پیروز می‌گردانم تا مردم اورشلیم و نسل سلطنتی داود از پیروزی خود مغرور نشوند.

«من که خداوند هستم از مردم اورشلیم دفاع خواهم کرد. ضعیفترین آنها مثل داود پادشاه قوی خواهد بود، و نسل سلطنتی داود مانند خدا و مثل فرشته خداوند در پیشاپیش آنها حرکت خواهند کرد!^۹ زیرا قصد من این است که تمام قومهایی را که به جنگ اورشلیم می‌آیند نابود کنم.»

سوگواری مردم اورشلیم

«من روح ترحم و تضرع را بر تمام ساکنان اورشلیم خواهم ریخت، و آنها بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگرست و عزاداری خواهند نمود چنانکه گویی برای تنها فرزند خود عزا گرفته‌اند، و آنچنان ماتم خواهند گرفت که گویی پسر ارشدشان مرده است.^{۱۱} در آن روز، در اورشلیم ماتم بزرگی برپا خواهد شد همانند ماتمی که مردم برای یوشیای پادشاه که در دره مجدو کشته شد برپا کردند.»

^{۱۲} و ^{۱۳} «همه قبایل اسرائیل با اندوه فراوان گریه خواهند کرد. تمام قوم از پادشاه و کاهن گرفته تا مردم عادی، عزادار می‌شوند. هر خانواده‌ای جداگانه ماتم می‌گیرد زن جدا و شوهر جدا تا هر یک در تنهایی بار غم و اندوهش را به دوش بکشد.»

«در آن زمان برای خاندان داود و مردم اورشلیم چشمه‌ای جاری خواهد شد،^{۱۳} چشمه‌ای که ایشان را از همه گناهان و ناپاکی‌هایشان پاک خواهد ساخت.»

پاک شدن اسرائیل از انبیای دروغین

گیج و مضطرب می‌کند که به جان همدیگر خواهند افتاد.^۴ تمام مردم یهودا در اورشلیم خواهند جنگید و ثروت همه قومهای همسایه، از طلا و نقره گرفته تا لباس‌هایشان را غارت خواهند کرد.^۵ همین بلا بر سر اسبها، قاطرها، شترها، الاغها و تمامی حیوانات دیگر که در اردوگاه دشمن هستند نازل خواهد شد.

^۶ آنگاه آنانی که از این بلاهای کشنده جان سالم بدر برند، هر ساله به اورشلیم خواهند آمد تا خداوند قادر متعال، پادشاه جهان را بپرستند و جشنی برای شکرگزاری برگزار نمایند.^۷ اگر قومی برای پرستش پادشاه یعنی خداوند قادر متعال به اورشلیم نیاید، دچار خشکسالی خواهد شد.^۸ حتی مصر حاصلخیز هم از این بلا در امان نخواهد ماند.^۹ بنابراین، اگر مصر و سایر قومها از آمدن خودداری کنند همگی مجازات خواهند شد.

^{۱۰} در آن روز حتی روی زنگوله اسبها نیز نوشته خواهد شد: «اینها اموال مقدس هستند.» تمام

می‌نمایند. نصف جمعیت را به اسارت می‌برند و نصف دیگر در میان خرابه‌های شهر باقی می‌مانند.

^{۱۱} آنگاه خداوند، به جنگ آن قومها می‌رود. در آن روز، او بر کوه زیتون که در سمت شرقی اورشلیم واقع شده است، خواهد ایستاد و کوه زیتون دو نصف خواهد شد و دره بسیار وسیعی از شرق به غرب بوجود خواهد آورد، زیرا نصف کوه بطرف شمال و نصف دیگر آن بطرف جنوب حرکت خواهد کرد.^{۱۲} شما از میان آن دره فرار خواهید کرد و به آنطرف کوه خواهید رسید. آری، فرار خواهید کرد، همانگونه که اجداد شما قرنهای پیش در زمان عزیا، پادشاه یهودا، از زمین لرزه فرار کردند. خداوند، خدای من خواهد آمد و تمامی مقدسان^{***} با او خواهند بود.

^{۱۳} در آن روز خورشید و ماه و ستارگان دیگر نور نخواهند داد؛ ولی همه جا روشن خواهد بود! آن روز، روز مخصوصی خواهد بود و فقط خداوند می‌داند چه هنگام فرا خواهد رسید. دیگر مانند همیشه شب و روز نخواهد بود، بلکه هوا در شب هم مثل روز روشن خواهد بود. آبهای حیاتبخش، هم در زمستان و هم در تابستان از اورشلیم جاری خواهد شد؛ نیمی از آن بسوی دریای مدیترانه، و نیمی دیگر بسوی دریای مرده خواهد رفت. در آن روز، خداوند، پادشاه سراسر جهان خواهد بود و مردم تنها او را خواهند پرستید و او را خداوند خواهند دانست.^{۱۴} تمامی سرزمین از جبع (مرز شمالی یهودا) تا رمون (مرز جنوبی) دشت پهناوری خواهد شد، ولی اورشلیم در محل مرتفعی قرار خواهد داشت و وسعت آن از دروازه بنیامین تا محل دروازه قدیمی و از آنجا تا دروازه زاویه، و از برج حنن‌ئیل تا محل چرخشهای پادشاه خواهد بود.^{۱۵} مردم در اورشلیم در امنیت ساکن خواهند شد و دیگر هرگز خطر نابودی آنها را تهدید نخواهد کرد.

^{۱۶} خداوند بر سر تمام قومهایی که با اورشلیم جنگیده‌اند این بلاها را نازل می‌کند: بدن آنها زنده‌زنده می‌پوسد، چشمهایشان در حدقه از بین می‌روند و زبان در دهانشان خشک می‌شود.^{۱۷} خداوند آنها را چنان

*** «مقدسان» یا «فرشتگان».

ظروف خوراک‌پزی خانه خداوند همچون ظروف کنار قربانگاه، مقدس خواهند بود.^{۲۱} در واقع هر ظرفی که در اورشلیم و یهودا یافت شود مقدس و مختص خداوند قادر متعال خواهد بود. تمام کسانی که برای عبادت می‌آیند از آن ظروف برای پختن گوشت قربانی‌های خود استفاده خواهند کرد. در آن روز در خانه خداوند قادر متعال، دیگر اثری از تاجران نخواهد بود.